

مروری بر وضعیت حقوقی
ردصلاحیت ترامپ

کلرادو دارد تلاش می‌کند، دونالد ترامپ را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری ردصلاحیت کند، با حذف نامش از برگه رأی ایالتی در سال ۲۰۲۴. این ایده را در ابتدا دو استاد حقوق محافظه‌کار پیش کشیدند و سپس در دیوان عالی کلرادو تأیید شد. حزب جمهوری خواه کلرادو از دیوان عالی ایالات متحده خواسته مداخله کند و دیوان هنوز پرونده را نپذیرفته است؛ اما بیشتر کارشناسان حقوقی موافقت می‌کنند که چنین کند و به‌زودی خواهد کرد. مسئله بخش سوم متمم چهاردهم قانون اساسی است که بعد از جنگ داخلی اجرا شد تا مانع از رسیدن فرماندهان سابق کنگفدراسیون به سمت‌های حکومتی شود. در بخش مربوط می‌گوید: «هیچ‌کس... نخواهد توانست سمتی بگیرد... در حالی که پیشتر... به‌عنوان صاحب‌منصب در ایالات متحده، در شورش شرکت کرده باشد.» این متن چند سوال سخت پیش کشیده است.

۱. چه کسی شکایت کرده است؟ دادگاهی در فلوریدا گفته جایگاهی برای رأی دهندگان در این باره نیست اما دادگاه عالی کلرادو موافق نیست. ۲. آیا قانون اساسی ایالات متحده به ایالت‌ها اجازه داده است «شرکت در شورش» را تعریف کنند؟ اگر بله، محدودیت‌هایش کدامند؟ ایالت نمی‌تواند به همین سادگی تعریف بسازد. ۳. آیا ایالت فرد مشخصی منصوب کرده که می‌تواند نامزدها را از برگه رأی حذف کند؟ چه کسی و با چه فرآیندی؟ یک دادگاه تجدیدنظر می‌تواند تصمیم گرفته که وزیر خارجه این اختیار را ندارد. ۴. آیا این اعلام ردصلاحیت، تنها مربوط به انتخابات عمومی است یا به مقدماتی هم مربوط است؟ دیوان عالی مینه‌سوتا حکم داده است که انتخابات مقدماتی به دست کمیته‌های حزبی ایالتی است و برای تصمیم درباره انتخابات عمومی زود است. ۵. چند کارشناس گفته‌اند بخش سوم رئیس جمهور [سابق] را از «گرفتن منصب» منع می‌کند نه «شرکت در انتخابات برای منصب». با این حال برخی ایالت‌ها به کاندیدای غیرمجاز اجازه نمی‌دهند یا برگه رأی می‌کشند.

این‌ها همه سوالات سختی هستند که دیوان عالی ایالات متحده با سه منصوب ترامپ باید حل‌شان کند. فکری که تصمیم دادگاه بسته به سه اختلاف بنیادین خواهد بود: اول، آیا ترامپ شورش کرده است؟ باز پرس ویژه جک اسمیت مدعی پنج تخلف شده است: (۱) تلاش برای کنار گذاشتن نتایج معتبر با داده‌های نادرست درباره تقلب در رأی؛ (۲) تلاش برای اینکه مایک پنس برخلاف قانون اساسی شمارش آرای تأیید شده را رد کند؛ (۳) درخواست از کنگره برای رد آرای قانونی؛ (۴) انفعال عمدی در طول حمله ۶ ژانویه، به‌رغم وظیفه و طرفیت مداخله. دومین اختلاف کلیدی این است که آیا استفاده متمم چهاردهم از عبارت «صاحب‌منصب در ایالات متحده» به ترامپ هم مربوط می‌شود یا نه. چند حقوق‌دان برجسته اصرار کرده‌اند که این فقط شامل مقامات منصوب می‌شود، نه مقامات منتخب. در واقع، دادگاه اولیه در کلرادو حاضر به ردصلاحیت ترامپ به این دلیل نشده است؛ اما دیوان عالی ایالت مخالف است. عبارت «منصب ریاست جمهوری» نیم‌دوچین بار در قانون اساسی به کار می‌رود. حساس این است که صاحب این مقام باید صاحب‌منصب باشد. از این قانع‌کننده تر اینکه اگر رئیس جمهور بابت شرکت در شورش استیضاح و محکوم شود، قانون اساسی، ماده یک بخش سه می‌گوید می‌شود او را برای گرفتن سمت ردصلاحیت کرد. آیا منطقی است که همین فرد مقصر همین جرم را نمی‌توان برای بخش دیگر ردصلاحیت کرد؟ در نهایت، اختلاف کلیدی سوم: قانون اساسی ایالات متحده مجموعه‌ای از اصول کلی است که یک چارچوب حکومتی را پیاده می‌کنند. به این خاطر است که بسیاری مفادش را باید کنگره حلاجی کند. این بخش با قانونی که برای شورش مجازات تعیین می‌کند «فعال» شده است. منتقدان حکم کلرادو اشاره می‌کنند که ترامپ طبق آن قانون متهم نشده و در استیضاح هم بابت شورش محکوم نشده. درست است اما به لحاظ فنی، بخش سه حکم محکومیت کیفری نمی‌دهد و نیاز به اثبات فراتر از تردید منطقی ندارد. به‌علاوه، حتی اگر ترامپ را سنا محکوم نکرده باشد، توسط مجلس متهم شده است و سنا با رأی ۵۷ به ۴۳ محکومیت داد اما به اکثریت دوسوم لازم برای حکم گناهکاری نداد.

در هر حال، رابرتز، قاضی ارشد نگران پیامدهای سیاسی ردصلاحیت ترامپ خواهد بود و حتی قضات لیبرال هم به این سمت میل خواهند بود که به رأی دهندگان اجازه دهند درباره تناسب ترامپ برای ریاست جمهوری تصمیم بگیرند؛ به‌خصوص بدون محکومیت کیفری و تردید درباره کارکرد غیرکیفری بخش سه.

روس‌ها دردسر پوتین نیستند

بررسی نگاه افکار عمومی در روسیه، نسبت به جنگ، پیامدهای آن و وضعیت کنونی کشور

روح‌انگیز رها

خبرنگار گروه بین‌الملل

افکار
سنجی

مردم روسیه الان چه فکر می‌کنند؟ به عبارت دقیق‌تر نظرشان درباره وضعیت فعلی با توجه به جنگ اوکراین و پیامدهای آن چیست؟ این شاید سوالی است که خیلی‌ها مطمئن باشند، راهی برای دانستن پاسخش نیست و خیلی‌های دیگر هم مطمئن باشند، پاسخ این سوال بدیهی است. این دسته دوم هم البته خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته‌ای که فکر می‌کنند قطعاً بیشتر مردم روسیه حامی ولادیمیر پوتین هستند که عملاً تمام قرن بیست و یکم اداره کشور را به دست داشته است و دسته‌ای که فکر می‌کنند، حتماً اکثر مردم روسیه مخالف وضعی هستند که پوتین با جنگش برای کشور ایجاد کرده و بلکه از قبل هم او اقبال عمومی نداشته است. بعضی‌ها اما ترجیح می‌دهند درباره مسائل این چنینی به سراغ چیزی بیش از حس و گمان و تخمین بروند. اندیشکده آمریکایی و شناخته‌شده کارنگی برای پاسخ این سوال به سراغ قلم دو کارشناس و بررسی نظرسنجی‌هایی از مردم روسیه رفته است.

همین ابتدای کار باید پاسخ اولین سوال احتمالی در مقابل چنین ایده‌ای را بررسی کرد: «آیا داده‌های نظرسنجی از مردم روسیه قابل اتکا هستند؟» درباره این نظرسنجی‌ها، کارنگی این‌طور توضیح می‌دهد: نظرسنجی‌های این بررسی در گفت‌وگوهایی چهره‌به‌چهره انجام شده‌اند. کارنگی با بررسی نرخ خودداری از پاسخ به نظرسنجی، مشاهده کرده است که درصد پاسخگویی یا خودداری از پاسخگویی در میان مصاحبه‌شوندگان روس با اعداد پژوهش‌های انتخاب ملی «آمریکا» شباهت دارد و از این رو این ادعا که «روس‌ها جمعاً حاضر به گفت‌وگو با نظرسنج‌ها نیستند» را رد می‌کند. تعداد ناچیزی هم در میانه مصاحبه گفت‌وگو را قطع کرده‌اند و در نتیجه این ایده هم صادق نیست که به محض رسیدن سوالات به مسائل حساس، جمع قابل توجهی حاضر به موضع‌گیری نشده‌اند. دغدغه احتمالی آخر این است که مردم روسیه حاضر به «است‌گفتن» به نظرسنج‌ها نیستند، چون از عواقب اظهارنظر واقعی می‌ترسند. کارنگی در رد این ادعا هم می‌نویسد: «هیچ‌کس هیچ‌وقت از تأثیرات خارجی رها نیست، خواه این تأثیر از رسانه‌ها باشد، خواه سیاستمداران و خواه نظرات بقیه مردم. در واقع، حتی توانایی مردم برای تشخیص پاسخ «درست» یا پاسخ «دارای پذیرش اجتماعی» نشان‌دهنده وجود نظرات عمومی است که فرد را مجبور به هم‌زنگی می‌کند. گاهی ممکن است این کار از سر ترس انجام شود اما اصلاً این‌طور نیست که این همیشگی باشد. معمول‌تر این است که عامل این کار، میل به این است که فرد بخشی از جریان اصلی و معمول باشد. چنین رفتاری این را هم نشان می‌دهد که بسیار نظر مستمری از خودشان درباره موضوع ندارند.» از نظر دیگر مقابل نظرسنجی‌ها مواضع خود را تلطیف کنند، در صحنه عمومی کشور نیز همین نظرات را می‌دهند و در فضای علنی براساس آن عمل می‌کنند؛ پس حتی اگر عوامل بیرونی بر این پاسخ‌ها اثرگذار باشند، لاجرم، همین عوامل بیرونی بر رفتار علنی افراد نیز اثر می‌گذارند و به این مناسبت، این نظرسنجی‌ها با وجود احتمال محافظه‌کاری از سمت مردم و بلکه در کنار آن، معیاری کاربردی هستند. به‌ویژه اینکه اگر این اتهام به نظرسنجی‌ها وارد باشد که مواضع مخالف را کمتر از آنچه هستند نشان می‌دهد، می‌توان این ادعا را در مقابل آن گذاشت که در چنین حالتی، درصد نظرات مخالف حکومت، قابل توجه‌تر هستند. با این توضیحات، در نمودارهایی که خلاصه‌ای از این نظرسنجی‌ها را نشان می‌دهند، درصدها را خواهید دید. در کنار این اعداد، تحلیل کارنگی از آن‌ها و البته از رویکرد مردم روسیه نسبت به جنگ در اوکراین را مرور خواهیم کرد. شایان ذکر است، نویسندگان مقاله مربوط در وبسایت این اندیشکده، دنیس والسکاو، مدیر مرکز لودا، سازمان نظرسنجی و پژوهش اجتماعی مستقلی در مسکو روسیه و آندری کولسنیکاف، کارشناس مرکز روسیه و اوراسیای کارنگی هستند.

در ابتدای این مقاله، به توصیف یک برداشت از نگاه مردم روسیه پرداخته شده است که در آن ادعا می‌شود، مردم روسیه تا حد زیادی به زندگی با پس‌زمینه جنگ عادت کرده‌اند، به‌خصوص که بخش بزرگی از آن‌ها، در تغییر واقعیتهایی که در آن هستند، ناتوان یا حتی به این کار

«هیچ‌کدام از پیش‌بینی‌های خام که نارضایتی حاصل از تحریم و محدودیت‌های تحمیلی دوران جنگ بر زندگی روزمره، رژیم ولادیمیر پوتین را پایین خواهند آورد، به جایی نرسیدند. از بسیاری جهات، برعکس این اتفاق افتاده است. بیشتر روس‌ها شاید با رژیم هم‌ذات‌پنداری نداشته باشند، اما دور کرملینی جمع شده‌اند که به باورشان با جنگ و ندان‌علیه غربی می‌جنگد که به دنبال نابودی روسیه است.»